



اندر اوصاف خانم های اول در افغانستان

خلاصه ای از فعالیت میرمن های اول کشور تا عصر مترقی امانی

قسمت سوم

1 - میرمن حوره ختلی: خواهر سلطان محمود غزنوی، زن فاضل، سیاستمدار و دانشمندی بود که بعد از مرگ برادرش الی رسیدن مسعود از فارس امور کشور و امپراطوری وسیع غزنویان را اداره و رهنمایی نموده مانع از هم پاشی آن سلطنت وسیع گردید.

2 - ملکه اجانی: دختر قطب الدین محمد غوری با مشرف شدن به حج بیت الله شریف، خانقاهی در آن دیار مقدس آباد نمود. نامبرده در سرزمین غور هم مدارس و مساجد زیادی آباد نمود.

3 - میرمن زرینه هوتکی: دختر مدبر و دانشمند میرویس خان هوتکی بود که اقتدار دربار برادرش شاه حسین هوتکی را در دست داشت و توصیه و نظریت وی در امور مملکت داری مورد قبول برادرش واقع میگردد.

4- فاطمه بیگم ملکه تیمور شاه درانی: که با درایت به ادراء کشور سهیم میگردد، وی میرمنی خیر اندیش بوده و اکثراً اطرافیان را از غضب شاه در امان نگهداشته و شفاعت شان را مینمود.

5- میرمن خجو: مادر وزیر اکبر خان است و اسم اصلی وی خدیجه است، برضد انگلیس میرزمید. زمانیکه وزیر اکبر خان در بخارا پناهنده است، از طرف مادرش برایش پیام میرسد تا ملت را از یوغ بیگانه گان نجات دهد. به دستور میرمن خجو در کشور پل ها و مدارس اعمار

گردید، وی امیر دوست محمد خان را در امور دولتی همکاری میکرد. این ملکه منور و بادانش مسجد رنگه ده افغانان را اعمار کرد و از جمله یکی از یادگاری هایش میباشد.

6- عایشه درانی: دختر امیر محمد افضل خان که ملقب به مادر ولیعهد بود و کابینه اول امیر شیرعلی خان در حضورش سوگند وفاداری یاد نمود، شخصیتی برجسته مدنی و نهایت آگاه و مدبر بود. وی قدرت زیادی در ایام سلطنت پدر و پدر کلان خویش داشته است.

7 - بی بی حلیمه کابلی ملقب به بو بو جان جغه دار:

یکی از میرمن های نامدار، فعال و مدبر افغان بی بی حلیمه خانم امیر عبد الرحمن خان بود که در سال 1273 هجری شمسی در بارانه کابل متولد گردید؛ وی از طرف مادر نواسه دختری امیر دوست محمد خان بوده و پدرش میر عتیق الله خان از اولاده شخصیت مذهبی میر واعظ آغا میباشد.

بو بو جان که در بین زنان حرم شخصیت ممتازی بود، مانند یک ملکه مقتدر از خود تشکیل سپاه داشت و شخصیتی مدبر، مهمان نواز، سخی بوده و به دستگیری و کمک به فقرا و محتاجین شهرت داشت. وی در نوجوانی با امیر عبدالرحمن ازدواج نمود و هر زمانیکه امیر از کابل عزم سفر مینمود، بیشتر امور را با درایت کامل پیش میبرد. ملکه حلیمه گذشته از اینکه میرمنی فاضله، ادیب و دانشمند بود، از استعداد و قریحه شعری خوبی هم برخوردار بود و خانمی وطنپرست و استقلال دوست محسوب میگردد. نامبرده در عصری که انگلیس به نحوی در افغانستان حاکمیت داشت، اکثراً اشعار ملی و منظومه های جنگی برای تشویق به قیام ملی و مبارزه برای تحصیل استقلال کامل کشور، می سرود که نمونه ای از آن چنین است:

از برای خدا بلند کنید بر سر خود نوای استقلال

باد شیرین دهان ملت ما یارب از میوه های استقلال

میکشم بعد ازین به دیده خود سرم از خاک پای ساتقلال

یکی از بنا های تاریخی که متأسفانه برای ساختن پارک زرنگار ویران گردید، منزل نشیمن ملکه حلیمه ملقب به بوبو جان بوده و به نام بوستان سرای یاد میشد که در قسمت شهر جدید کابل و نزدیک لیسۀ استقلال و ارگ قرار داشت. این ساختمان زیبا با باغ، جوی آب روان و ساحه وسیع، بعد ها به شاگردان مکتب اندرابی و به اسم جدید لیسۀ زرغونه مسمی گردید. این بنای با شکوه را

که دارای اتاق های زیادی برای مهمانان، خدم و حشم و باشندگان اصلی عمارت بی بی حلیمه بود، میشد که منحصراً یک موزیم، کتابخانه عامه و امثال آن آباد نگهداشت.



تصویری از علیاحضرت سرور سلطان مادر غازی امان الله خان

8 - علیا حضرت سرور سلطان:

علیا حضرت سرور سلطان مادر غازی امان الله خان دختر سردار شیر دلخان از خانواده لوی ناب شاغاسی که اکثراً مقیم قندهار بودند میباشد که از همان ابتداء در امور اداری و عسکری دارای صلاحیت و نفوذ زیادی بود و چون منصوب به خانواده های پر نفوذ کشور بود، حتی در انتخاب امیر حبیب الله خان به مقام سلطنت، کوشش های وی و فامیلش خیلی مؤثر واقع گردید.

امیر حبیب الله خان هم بعد از جلوس به سلطنت، علیاحضرت سرور سلطان را که فرزندش شهزاده امان الله 12 ساله بود و مادرش به نام والده نور چشم امان الله خان نامیده میشد، به لقب «علیا حضرت سراج الخواتین» منحصراً میرمن اول مقام سلطنت معرفی نمود.

نا گفته نباید گذاشت که در زمان سلطنت امیر عبد الرحمن خان، بوبو جان، یعنی ملکه حلیمه با اقتداری که بالای امیر داشت، در تلاش و لایعهدی فرزند خویش شهزاده محمد عمر خان بسیار کوشا بود و همانطور هم تصور میشد؛ ولی بعد از اینکه در اثر کوشش متنفذین و وابستگان علیا حضرت سرور سلطان، حبیب الله خان به مقام امارت میرسد، ولایعهدی شهزاده محمد عمر خان دیگر اعتباری نمیداشته باشد.

علیا حضرت اکثراً شهزاده امان الله را با خود به قندهار نزد خاندان مادری میبرد تا رسوم فامیلی و لسان پشتو را فراموش ننماید و از جانب دیگر با خوانین و بزرگان آن ولایت آشنا و معرفی گردد. به دلیل همین کوشش های مادر بود که خاندان لوی ناب شاغاسی در عصر سلطنت اعلیحضرت غازی با نهایت صداقت با وی همراهی نمودند.

علیا حضرت سرور سلطان در ایام سلطنت امیر حبیب الله خان به اقتدار زیادی نایل آمد، وی از احوال محابس و امور خیریه و حتی جرگه ها و مجالسی که بیرون شهر دایر میگردید، خبر گیری و اقدامات لازم مینمود.

برای انتخاب ملکه ثریا دختر محمود طرزی پدر ژورنالیزم در افغانستان که دختر جوان تعلیم یافته و از یک فامیل نهایت منور بود، بازهم تلاش برای چنین انتخابی مؤثر واقع شد و این ازدواج صورت پذیرفت.

متأسفانه در سال های بعدی، به مناسبت اقتدار زیاد مقام سلطنت و تعدد زوجات امیر، مناسبات علیاحضرت با وی تیره گردیده و جریاناتی بوجود آمد که فاصله امیر را از فرزندش هم سبب گردید.

پایان قسمت سوم